

به نام پروردگار یکتا

۱۰۶۴۵۹

۸۷،۱،۱۰۰ ۵۴۶

۸۷،۱۰،۱۱



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

موضوع:

مقایسه شیوه های مقابله ای در دانش آموزان دارای هوش هیجانی بالا و پایین در طبقات
مختلف اجتماعی - اقتصادی

استاد راهنما:

دکتر محمد کریم خداپناهی

استاد مشاور:

دکتر بهرام صالح صدق پور

استاد داور خارجی:

دکتر پرویز آزاد فلاح

استاد داور داخلی:

دکتر شهریار شهیدی

پژوهشگر:

آذر نادی

شهریور ۱۳۸۷

۱۰۶۴۵۹

کتابخانه و مرکز اسناد
دانشگاه شهید بهشتی

با سپاس از پروردگار یکتا که

چراغ دانش را

در مسیر هدایت این بنده ناچیز برافروخت...

و با سپاس فراوان از

دکتر محمد کریم خداپناهی

و

دکتر بهرام صالح صدق پور

که مراد پریمودن این مسیر یاری دادند.

تقدیم به :

همسرم، به پاس همراهی های بی دریغ اش...

و

پدر و مادرم، به پاس دعای خیر و وجود پر مهرشان...

چکیده:

هدف پژوهش حاضر مقایسه شیوه‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالا و پایین و نیز بررسی هوش هیجانی و شیوه‌های مقابله در طبقات اجتماعی اقتصادی بالا و پایین بوده است. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۳۵۶ نفر از دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. شرکت‌کننده‌ها در این تحقیق به پرسشنامه شیوه‌های مقابله (راجرو نجاریان ۱۹۹۳) پرسشنامه مشخصات فردی و پرسشنامه هوش هیجانی (برادبری، گریوز ۲۰۰۴، ترجمه گنجی ۱۳۸۴) پاسخ دادند. طرح تحقیق از نوع پس‌رویدادی بود و آزمون‌های آماری مناسب برای این طرح، آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t استیودنت، آزمون‌های تعقیبی توکی و تحلیل واریانس بلوکی بوده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که استفاده از شیوه‌های مقابله عقلانی و انفصالی در دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالا بیشتر از دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی پایین است. میزان استفاده از شیوه مقابله اجتنابی در دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالا و پایین تفاوتی نشان نداد. و میزان استفاده از شیوه مقابله هیجانی در دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی پایین بیشتر بوده است. همچنین نتایج نشان داد که هوش هیجانی در دانش‌آموزان طبقه بالای اجتماعی اقتصادی بیشتر از طبقه پایین اجتماعی اقتصادی است. استفاده از شیوه مقابله عقلانی در دو طبقه اجتماعی اقتصادی بالا و پایین تفاوتی نشان نداد. اما استفاده از شیوه مقابله انفصالی در طبقه بالا بیشتر بود و استفاده از شیوه مقابله اجتنابی و هیجانی در طبقه پایین بیشتر بود. همچنین طبقه اجتماعی اقتصادی بر رابطه بین هوش هیجانی و شیوه‌های مقابله اثر نداشت. در مجموع نتایج پژوهش حاضر نشان داد که عوامل برون فردی نظیر وضعیت اجتماعی اقتصادی و عوامل درون فردی نظیر هوش هیجانی، بر شیوه‌های مقابله فرد می‌گذارند و این متغیرها با یکدیگر و با پایگاه اجتماعی اقتصادی ارتباط تنگاتنگ دارند.

کلید واژه: هوش هیجانی، شیوه مقابله، طبقه اجتماعی-اقتصادی.

فهرست منابع

صفحه	عنوان
۱-۳	مقدمه
۴-۲۱	۱: گستره علمی مساله مورد بررسی
۵-۱۱	۱-۱: بیان مساله
۱۲-۱۷	۲-۱: ضرورت و اهمیت
۱۷	۳-۱: اهداف
۱۷	۴-۱: فرضیه ها
۱۸-۲۰	۵-۱: متغیرها و تعریف عملیاتی آنها
۲۱	۶-۱: خلاصه فصل
۲۲-۱۰۴	۲: مرور و تحلیل یافته ها در زمینه بررسی حاضر
۲۳	۱-۲: مبنای نظری سبک های مقابله ای ، هوش هیجانی و طبقه اجتماعی اقتصادی
۲۳-۲۶	۱-۱-۲: مفهوم و مبانی نظری سبک های مقابله ای
۲۶-۲۸	۱-۱-۱-۲: تعریف مقابله
۲۸	۱-۱-۲-۲: دیدگاههای مختلف در مورد مقابله
۲۸-۲۹	۱-۱-۲-۱: نظریه بیلینگز و موس
۲۹-۳۳	۱-۱-۲-۲: نظریه لازاروس - فولکمن
۳۳-۳۵	۱-۱-۲-۳: نظریه مثنی و همکاران
۳۵-۳۶	۱-۱-۲-۴: نظریه پی یرلین و شولر

صفحه	عنوان
۳۶	۲-۱-۱-۲: نظریه آنتونوفسکی
۳۶-۴۰	۲-۱-۱-۲: نظریه کارور و همکاران
۴۰	۲-۱-۱-۲: نظریه پاول و انرایت
۴۰-۴۲	۲-۱-۱-۲: نظریه فرایدنبرگ و لوئیس
۴۲-۴۳	۲-۱-۱-۲: نظریه راجر و نجاریان
۴۳	۲-۱-۱-۲: نظریه فیلیپس و جارویس
۴۴	۲-۱-۱-۲: نظریه لانگک و اسکات
۴۴	۲-۱-۱-۲: نظریه آیرز و همکاران
۴۴-۴۵	۲-۱-۱-۲: نظریه موس و اسکافر
۴۵	۲-۱-۱-۲: نظریه آلتمایر
۴۵	۲-۱-۱-۲: نظریه کرونی
۴۶	۲-۱-۲: مفهوم و مبانی نظری هوش هیجانی
۴۶-۴۷	۲-۱-۲: مفهوم هوش هیجانی
۴۷-۴۸	۲-۱-۲: نظریه های هوش هیجانی
۴۸-۵۲	۲-۱-۲-۲: الگوی توانایی مایر، سالووی و کارسو
۵۳-۵۴	۲-۱-۲-۲: الگوی شخصیتی باران از هوش اجتماعی و هیجانی
۵۵-۵۶	۲-۱-۲-۲: الگوی گلنن از هوش هیجانی

صفحه	عنوان
۵۶ - ۵۷	۲-۱-۳: نقشه بهره هیجانی کوپر
۵۷ - ۶۰	۲-۱-۴: تحول هوش هیجانی
۶۰ - ۶۲	۲-۱-۵: اساس عصب شناختی هوش هیجانی
۶۲	۲-۱-۳: مفهوم و مبانی نظری طبقه اجتماعی - اقتصادی
۶۲	۲-۱-۳-۱: تعریف
۶۲-۶۴	۲-۱-۳: نظریه های قشر بندی اجتماعی
۶۴	۲-۱-۳-۱: نظریه های کلاسیک قشر بندی اجتماعی
۶۴ - ۶۶	۲-۱-۳-۱-۱: نظریه کارل مارکس
۶۶-۶۸	۲-۱-۳-۱-۲: نظریه امیل دورکیم
۶۸ - ۷۱	۲-۱-۳-۱-۳: نظریه ماکس وبر
۷۱	۲-۱-۳-۲: نظریه های امروزی قشر بندی اجتماعی
۷۱ - ۷۳	۲-۱-۳-۲-۱: دیدگاه کارکرد گرایی
۷۳ - ۷۶	۲-۱-۳-۲-۲: نظریه تضاد
۷۶ - ۸۰	۲-۱-۳-۲-۳: دیدگاه ترکیبی
۸۰ - ۸۴	۲-۱-۳-۳: پیامد های قشر بندی اجتماعی
۸۵ - ۸۷	۲-۱-۳-۴: طبقه های اجتماعی در کشورهای در حال پیشرفت
۸۷ - ۹۳	۲-۱-۳-۵: ساخت طبقه ای در ایران

صفحه	عنوان
۹۳	۲-۲: یافته های پژوهشی
۹۳	۱-۲-۲: هوش هیجانی و مقابله
۹۳-۹۴	۱-۱-۲-۲: پژوهش های مرتبط
۹۵-۹۸	۲-۱-۲-۲: پژوهش های مرتبط غیر مستقیم
۹۸	۲-۲-۲: هوش هیجانی و جنس
۹۹-۱۰۰	۳-۲-۲: طبقه اجتماعی اقتصادی
۱۰۱-۱۰۴	۳-۲: خلاصه فصل
۱۰۵-۱۱۳	۳: فرایند روش شناختی
۱۰۶	۱-۳: جامعه و نمونه آماری
۱۰۶	۲-۳: روش نمونه گیری
۱۰۷	۳-۳: روش اجرای پژوهش
۱۰۷	۴-۳: ابزارهای پژوهش
۱۰۷-۱۰۹	۱-۴-۳: پرسشنامه شیوه های مقابله
۱۱۰	۱-۱-۴-۳: اعتبار
۱۱۰	۲-۱-۴-۳: روایی
۱۱۱	۲-۴-۳: آزمون هوش هیجانی
۱۱۱	۱-۲-۴-۳: اعتبار

صفحه	عنوان
۱۱۲	۳-۴-۲: روایی
۱۱۲	۳-۴-۳: پرسشنامه مشخصات فردی
۱۱۲-۱۱۳	۳-۵: طرح تحقیق و روش های آماری
۱۱۳	۳-۶: خلاصه فصل
۱۱۴-۱۳۸	۴: ارائه و تحلیل نتایج کلی
۱۱۵	۴-۱: ارائه داده های توصیفی
۱۱۵-۱۱۶	۴-۱-۱: بررسی توصیفی متغیر هوش هیجانی
۱۱۶-۱۱۷	۴-۱-۲: بررسی توصیفی متغیر شیوه های مقابله
۱۱۷-۱۱۸	۴-۱-۳: طبقه اجتماعی-اقتصادی
۱۱۸	۴-۲: بررسی نتایج در چارچوب فرضیه ها
۱۱۸-۱۲۰	۴-۲-۱: فرضیه اول
۱۲۰-۱۲۲	۴-۲-۲: فرضیه دوم
۱۲۲-۱۲۴	۴-۲-۳: فرضیه سوم
۱۲۴-۱۲۵	۴-۲-۴: فرضیه چهارم
۱۲۵-۱۲۸	۴-۲-۵: فرضیه پنجم
۱۲۸	۴-۳: سوال های پژوهش
۱۲۸-۱۲۹	۴-۳-۱: سوال اول

صفحه	عنوان
۱۲۹-۱۳۲	۴-۳-۲: سوال دوم
۱۳۲-۱۳۵	۴-۳-۳: سوال سوم
۱۳۶-۱۳۸	۴-۴: خلاصه فصل
۱۳۹-۱۵۲	۵: بحث و نتایج نهایی
۱۳۹-۱۴۲	۵-۱: بحث و بررسی درباره یافته ها
۱۴۲-۱۵۰	۵-۲: بحث و نتایج نهایی
۱۵۰-۱۵۱	۵-۳: کاربرد نتایج تحقیق
۱۵۱	۵-۴: محدودیت ها
۱۵۲	۵-۵: پیشنهادات
۱۵۳-۱۶۳	منابع و ماخذ
۱۶۴	پیوست ها

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۴	- جدول (۱-۲): حوزه های هوش هیجانی و توانایی های مرتبط با آن - بار ان (۱۹۹۷) به نقل از کار (۲۰۰۴)
۵۶	- جدول (۲-۲) نقشه بهره هیجانی کوپر (۱۹۹۶، ۱۹۹۷)، نقل از کار (۲۰۰۴)
۸۱	- جدول (۲-۳) درصد نیروی انسانی هر طبقه و مشاغل عمده مرتبط با طبقه مورد نظر
۸۳	- جدول (۲-۴) شاخص های نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری ایران
۸۴	- جدول (۲-۵) شاخص های نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران
۸۶	- جدول (۲-۶) شاخص طبقه های اجتماعی در کشورهای در حال پیشرفت
۸۷	- جدول (۲-۷) پراکنش درآمدها در چند کشور پیرامونی برگزیده شده
۱۱۵	- جدول (۴-۱) جدول فراوانی هوش هیجانی
۱۱۶	- جدول (۴-۲) حداکثر، حداقل، میانگین و انحراف استاندارد نمرات هوش هیجانی به تفکیک جنس
۱۱۶	- جدول (۴-۳) حداکثر، حداقل، میانگین، انحراف استاندارد نمرات هوش هیجانی به تفکیک طبقات اجتماعی-اقتصادی
۱۱۷	- جدول (۴-۴) فراوانی و درصد شیوه های مقابله ای
۱۱۸	- جدول (۴-۵) فراوانی و درصد آزمودنی ها در طبقه های اجتماعی اقتصادی
۱۱۹	- جدول (۴-۶) آزمون تحلیل واریانس یک راه جهت بررسی اثر هوش هیجانی در استفاده از شیوه مقابله عقلانی

عنوان

صفحه

- جدول (۷-۴) آزمون تعقیبی توکی برای بررسی مقایسه ای میان سطوح هوش هیجانی در استفاده از شیوه
مقابله عقلانی
۱۲۰
- جدول (۸-۴) آزمون تحلیل واریانس یک راهه جهت بررسی اثر هوش هیجانی در استفاده از شیوه مقابله
انفصالی
۱۲۱
- جدول (۹-۴) آزمون تعقیبی توکی جهت بررسی مقایسه ای میان سطوح هوش هیجانی در استفاده از شیوه
مقابله انفصالی
۱۲۱
- جدول (۱۰-۴) آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای بررسی اثر هوش هیجانی در استفاده از شیوه مقابله
اجتنابی
۱۲۳
- جدول (۱۱-۴) آزمون تعقیبی توکی جهت بررسی مقایسه ای میان سطوح هوش هیجانی در استفاده از
شیوه مقابله اجتنابی
۱۲۳
- جدول (۱۲-۴) آزمون تحلیل واریانس یک راهه جهت بررسی اثر سطوح هوش هیجانی در استفاده از
شیوه مقابله هیجانی
۱۲۴
- جدول (۱۳-۴) آزمون تعقیبی توکی جهت بررسی مقایسه ای میان سطوح هوش هیجانی در استفاده از
شیوه مقابله هیجانی
۱۲۵
- جدول (۱۴-۴) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان خودآگاهی هیجانی دختران و پسران
۱۲۶
- جدول (۱۵-۴) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان خودمدیریتی هیجانی دختران و پسران
۱۲۷
- جدول (۱۶-۴) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان آگاهی اجتماعی دختران و پسران
۱۲۷
- جدول (۱۷-۴) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان مدیریت رابطه دختران و پسران
۱۲۸

جدول (۴-۱۸) آزمون T مستقل جهت مقایسه هوش هیجانی در طبقات اجتماعی اقتصادی بالا

و پایین ۱۲۹

جدول (۴-۱۹) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان استفاده از شیوه مقابله عقلانی در طبقات بالا و پایین

اجتماعی اقتصادی ۱۳۰

جدول (۴-۲۰) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان استفاده از شیوه مقابله انفصالی در طبقات بالا و پایین

اجتماعی اقتصادی ۱۳۰

جدول (۴-۲۱) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان استفاده از شیوه مقابله اجتنابی در طبقات بالا و پایین

اجتماعی اقتصادی ۱۳۱

جدول (۴-۲۲) آزمون T مستقل جهت مقایسه میزان استفاده از شیوه مقابله هیجانی در طبقات بالا و پایین

اجتماعی اقتصادی ۱۳۲

جدول (۴-۲۳) آزمون تحلیل واریانس بلوکی جهت بررسی اثر هوش هیجانی و طبقه اجتماعی - اقتصادی

بر شیوه مقابله عقلانی ۱۳۳

جدول (۴-۲۴) آزمون تحلیل واریانس بلوکی جهت بررسی اثر هوش هیجانی و طبقه اجتماعی - اقتصادی

بر شیوه مقابله انفصالی ۱۳۳

جدول (۴-۲۵) آزمون تحلیل واریانس بلوکی جهت بررسی اثر هوش هیجانی و طبقه اجتماعی - اقتصادی

بر شیوه مقابله اجتنابی ۱۳۴

جدول (۴-۲۶) آزمون تحلیل واریانس بلوکی جهت بررسی اثر هوش هیجانی و طبقه اجتماعی - اقتصادی

بر شیوه مقابله هیجانی ۱۳۵

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۹	نمودار (۱-۲) پاسخ های مقابله ای مساله مدار و هیجان مدار از نظر بیلینگز و موس
	نمودار (۲-۲) فرایند مقابله (کوهن ، لازاروس ، ۱۹۷۹ ، لازاروس و فولکمن ۱۹۸۴ ، به نقل از تیلور
۳۳	۱۹۹۷، اقتباس از یزدانی (۱۳۸۲)
۱۱۶	نمودار (۱-۴) فراوانی هوش هیجانی بالا ، متوسط و پایین
۱۱۷	نمودار (۲-۴) فراوانی شیوه های مقابله
۱۱۸	نمودار (۳-۴) فراوانی آزمودنی ها در طبقات اجتماعی بالا ، پایین و متوسط

مقدمه

واقعیت این است که استرس در افراد گوناگون، به شکل های متفاوتی بروز می کند و می تواند منشأ مشکلات متعدد و جدی در سلامت ما باشد. واکنش افراد در برابر استرس با یکدیگر متفاوت است و چندان قابل پیش بینی نیست (کهانا ۱۳۸۳). مقابله اشاره دارد به یک سری از راهبردهای شناختی و رفتاری که توسط یک فرد برای اداره خواسته های در موقعیت های استرس زا و دشوار به کار می رود (فولکمن و مسکوویتز ۲۰۰۴). باستین، نیکولاس و برنز (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده اند که هوش هیجانی نوعی هوش است که برای حل مسأله و تمایز میان افراد و بررسی افراد از هیجانان خود و دیگران به کار می رود و در تمامی این موارد برخی افراد بهتر از دیگران عمل می کنند. در قرن حاضر که عصر استرس، اضطراب و مقابله نامیده می شود، توانایی مهار هیجانان در سلامت هیجانی اهمیت خاصی دارد (ایندلر ۱۹۹۴، گلن ۱۹۹۵) پژوهش های متعددی نشان دادند که هوش هیجانی بر شیوه مقابله فرد با استرس اثر می گذارد.

سالووی، بدل، توپلر و مایر (۲۰۰۰ به نقل از باستین ۲۰۰۵) نشان داده اند که افراد باهوش هیجانی بالاتر، باید در مواجهه با موقعیت های استرس زای زندگی موفق تر باشند زیرا بهتر می توانند هیجانان خود را درک، ارزیابی و تنظیم کنند. سالووی و همکاران (۲۰۰۰ به نقل از باستین ۲۰۰۵) گفته اند که اجزای هوش هیجانی، با شماری از پردازش های مقابله ای مثل شبکه های حمایت اجتماعی و افشای تروما، مرتبط اند و هوش هیجانی بالاتر با مقابله بهتر و استفاده از روش های مقابله مؤثر مرتبط است.

در ارتباط با همین دیدگاه فورنهام (به نقل از راجرز و همکاران ۲۰۰۶) نیز دریافت که افراد دارای هوش هیجانی بالا به شیوه های مقابله انطباقی (مانند عقلانی، انفصالی) در مقابل شیوه های مقابله غیر انطباقی (مثل هیجانی، اجتنابی) بیشتر تمایل دارند. نتیجه مطالعه ساکلوفسکی و همکاران (۲۰۰۶) بر روی دانش آموزان کانادایی نشان داد که مقابله عقلانی باهوش هیجانی همبستگی مثبت و مقابله هیجانی با هوش هیجانی همبستگی منفی دارد. در مورد ارتباط هوش هیجانی با جنس دیدگاه های متفاوتی وجود دارد. باران (۲۰۰۰) به نقل از کار (۲۰۰۴) چنین مطرح کرد که هوش هیجانی کلی در زنان و مردان مشابه است. اما در زیر مقیاس های هوش هیجانی تفاوت دارند. مردان در مهارت درون فردی، سازگاری و مدیریت استرس نمرات بالاتری به دست می آورند. زنان خودآگاهی هیجانی بیشتری دارند و همدردی بیشتری نشان می دهند. نیز زنان مسئولیت پذیری و روابط بین فردی بهتری از مردان دارند. برادبری و گریوز چنین مطرح کردند که نمره هوش هیجانی زنان و مردان در خودآگاهی هیجانی یکسان

است. اما در خودمدیریتی هیجانی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه، زنان نمرات بالاتری به دست می‌آورند (به نقل از برادبری، گریوز، ۲۰۰۴، ترجمه گنجی ۱۳۸۴).

هر انسانی پس از تولد تحت تاثیر محیط اجتماعی - فرهنگی خاص خود پرورش می‌یابد، و در طی رشد خود آگاهانه یا معمولاً نا آگاهانه ارزشها، هنجارها، نظامهای سمبلیک (زبان)، نقشهای اجتماعی و نظایر آنها را فراگرفته و درونی می‌کند. تولد و رشد در قشر خاصی از جامعه سبب پرورش و تربیت افرادی می‌شود که در بزرگسالی در ارزشها، هنجارها، نگرشها، نقشها و حتی در چگونگی استفاده از علائم و سمبلاها (زبان) تفاوت دارند. یکی از مسائل مهم جامعه‌شناسی معاصر، نابرابری‌های اجتماعی است (اعزازی ۱۳۸۷).

در بررسی‌های راجع به نابرابری‌های اجتماعی میتوان ادعا نمود که این موضوع پدیده‌ای جهانی است. نابرابری اجتماعی در همه دوره‌های تاریخی و در همه جوامع دیده شده است. بنابراین تنها در یک منطقه جغرافیایی و یا در فرهنگ ویژه و یا ساخت سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای منحصر نمی‌شود (کمالی ۱۳۷۹). قشرهای اجتماعی ادراک متفاوتی از دنیا و از خودشان در بطن این دنیا دارند و به شیوه‌های متفاوتی روابط اجتماعی و رویدادهای روزمره را ارزیابی می‌کنند (تامین ۱۳۸۵).

در مورد ارتباط وضعیت اجتماعی اقتصادی با متغیرهای روانشناختی مطالعات مختلفی صورت گرفته است. که در مجموع نشان داده‌اند که عوامل اجتماعی اقتصادی به عنوان یک عامل برون فردی بر ویژگیهای مختلف روانشناختی اثر دارد. مطالعه دال فیتز جرالده نشان داد که در طبقات پایین اجتماعی زنان کمتر خیالپردازند، و کمتر خویشتن دارند و از پیشامدهای غیر مترقبه و شکست بیشتر می‌ترسند. دیگر اینکه در میان افراد این طبقه ابراز احساسات صریح‌تر بوده و کمتر با ملاحظات محافظه کارانه همراه است. همچنین روابط فرزندان و والدین از لحاظ روانی نفوذناپذیر، سلسله مراتبی‌تر و انعطاف‌پذیرتر است. احساس ضعف و بی‌اعتمادی در طبقه پایین شدیدتر است و دنیا را خصمانه‌تر احساس می‌کنند. در طبقات متوسط به دلیل اصرار ورزیدن برای موفقیت و ارتقای پایگاه اجتماعی کودک بیشتر زیر فشار است و به سبب تاکید بر شکوفایی اخلاقی، احساس تقصیر در او زنده‌تر است (به نقل از تامین ۱۳۸۵). مطالعه جرج براون (۱۹۹۵) نشان داد که شیوع نشانه‌های اختلالات روانپزشکی در زنان طبقه اجتماعی اقتصادی پایین بیشتر است. در پژوهش حاضر میزان استفاده از شیوه‌های مقابله عقلانی، انفصالی، اجتنابی و هیجانی در دانش‌آموزان دارای هوش هیجانی بالا و پایین مقایسه خواهد شد.

همچنین به منظور آگاهی از اثر وضعیت اجتماعی اقتصادی بر متغیرهای مزبور، هوش هیجانی و میزان استفاده از شیوه‌های مقابله ذکر شده در طبقات بالا و پایین اجتماعی اقتصادی مقایسه خواهد شد.

فصل اول :

گستره علمی مسئله مورد بررسی

فصل ۱: گستره علمی مسئله مورد بررسی

در این فصل اهم پژوهش‌ها در مورد شیوه‌های مقابله و هوش هیجانی را مرور می‌کنیم و به ضرورت و اهمیت بررسی آن در ایران پرداخته و نیز نقش وضعیت اجتماعی اقتصادی رابه عنوان عامل برون فردی اثرگذار مورد توجه قرار می‌دهیم. فرضیه‌ها و سوال‌هایی را در این راستا مطرح نموده و سپس به تعریف نظری و عملیاتی متغیرها می‌پردازیم.

۱-۱: بیان مسأله:

در ۱۵ سال گذشته علاقه فزاینده‌ای نسبت به اینکه هیجان‌ات رفتار هوشمندانه را با تاثیر بر واکنش فرد و تفسیر اطلاعات توسط فرد تعدیل می‌کند، ایجاد شده است. سالووی^۱ و مایر^۲ (۱۹۹۰) اولین افرادی بودند که برای ایجاد توانایی مدیریت هیجان براساس یک الگوی هوش سلسله مراتبی تلاش کرده‌اند. هوش هیجانی را به عنوان توانایی ادراک هیجان‌ات در مقابل تفکر، فهم هیجان‌ات و دانش هیجانی و تنظیم انعکاسی هیجان‌ات با هدف ارتقا و رشد توصیف کرده‌اند. باستین^۳، و نتا^۴، نیکولاس^۵ و برنز^۶ (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده‌اند که هوش هیجانی نوعی هوش است که برای حل مسأله و تمایز میان افراد و بررسی افراد از هیجان‌ات خود و دیگران به کار می‌رود و در تمامی این موارد برخی افراد بهتر از دیگران عمل می‌کنند. به عبارت دیگر افراد در توانایی حل مشکل با توجه به هوش هیجانی خود تفاوت نشان می‌دهند.

پیشرفت تحصیلی، رضایت از زندگی، اضطراب، توانایی حل مسأله و مقابله با تنیدگی و دیگر متغیرهای مرتبط با محل کار، تحصیل و موقعیت‌های بین فردی، فقط بعضی از مواردی هستند که قبلاً در رابطه با هوش هیجانی بررسی شده‌اند. تاکنون پژوهش‌های تجربی کمی روی مقابله، مهارت حل مسأله و اضطراب صورت گرفته است. و اغلب روابط نظری بین هوش هیجانی و مقابله نشان داده شده است (باستین و همکاران ۲۰۰۵). تنیدگی را می‌توان در رابطه فرد و محیط تعریف کرد. روابط فردی-محیطی منجر به هیجان‌ات می‌شوند که همواره در حال تغییر هستند. وقتی در روابط فردی محیطی، رویدادی آسیب‌زا و تهدید کننده باشد، فرایندهای مقابله به کار می‌افتند تا شرایط آسیب‌زا و هیجان تولید شده توسط آن را بر طرف کنند. حتی در روابط سودمند و

¹ Salovey

² Mayer

³ . Bastion

⁴ . Venta

⁵ . Nicholas

⁶ . Burns

هیجان‌ات مثبتی که ایجاد می‌کنند، ممکن است نیاز به مقابله باشد تا شرایط مثبت حفظ گردد (لازاروس، کانر و فلکمن ۱۹۸۰ به نقل از گلدبرگ و برنزیت ۱۹۹۳). بنابر این عواملی که به رابطه مؤثر فرد و محیط کمک کنند، در مقابله با مشکلات به طور مثبت اثرگذار هستند. از جمله این عوامل هوش هیجانی است. هوش هیجانی عامل برقرار کننده تعادل در رابطه فرد و محیط است (گهم^۱، کانسر^۲، دالسکی^۳ ۲۰۰۵).

واقعیت این است که تنیدگی در افراد گوناگون، به شکل‌های متفاوتی بروز می‌کند و می‌تواند منشأ مشکلات متعدد و جدی در سلامت ما باشد. واکنش افراد در برابر تنیدگی با یکدیگر متفاوت است و چندان قابل پیش‌بینی نیست. واکنشی که به تنیدگی داده می‌شود بیش از آنکه به شدت محرک به وجود آورنده تنیدگی بستگی داشته باشد، به حساسیت فیزیکی و میزان استعداد هیجانی شخص بستگی دارد. برخی افراد در برابر استرس آرام و خونسرد هستند. بنابراین، این گوناگونی و تفاوت واکنش‌ها، موضوع را پیچیده و در عین حال جذاب می‌کند و درک و شناخت آن را ارزشمند می‌سازد. شرایط و وضعیت مشابه و یکسان در افراد مختلف و حتی در یک شخص خاص، واکنش‌های گوناگونی ایجاد می‌کند که این امر به ذهنیت هر فرد بستگی دارد (کهانا، ۱۳۸۲).

مقابله اشاره دارد به یک سری از راهبردهای شناختی و رفتاری که توسط یک فرد برای اداره خواسته‌هایش در موقعیت‌های تنیدگی زا و دشوار به کار می‌رود (فولکمن^۴ و مسکوویتز^۵ ۲۰۰۴). تحقیقات پیشنهاد می‌کنند که شیوه‌های مقابله (نظیر متمرکز بر تکلیف^۶ متمرکز بر هیجان^۷ و اجتنابی^۸) نقش مهمی را در نحوه پاسخ دادن فرد به شرایط تنیدگی زا و رویدادهای منفی در زندگی بازی می‌کنند (ایندلر و پارکر ۱۹۹۴)، شیوه‌های مقابله اغلب به‌عنوان یک واسطه بین رویدادهای تنیدگی‌زا سابق و پیامدهای آنها منجمله اضطراب، افسردگی و شکایات بدنی به کار

¹ Gohm

² Conser

³ Dalsky

4 . Folkman

5 . Moskowitz

6 . Task-oriented

7 . emotion-oriented

8 . avoidant